



مهدیین و وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله

به مناسبت رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله، در این مطلب به بررسی وصیت مبارک آن حضرت خواهیم پرداخت که اسراری در خود نهفته دارد.

آنچه مشهور بوده و در منابع شیعه و سنی روایت شده این است که در روز پنج شنبه و در بستر بیماری، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فرمودند **ایتونی بدواة و بیاض لاکتب لکم کتابا لن تضلّوا بعدی** یعنی برای من کاغذ و دواتی بیاورید تا برای شما نوشته ای را بنویسم که هرگز گمراه نشوید. در آن هنگام عمر بن خطاب گفت: **ان الرجل لیهجر حسبنا کتاب الله** یعنی این مرد هذیان میگوید، کتاب خدا برای ما کافی است.

پس از این سخن، نزاعی برابر پیامبر صلی الله علیه و آله واقع شد و حضرت فرمودند **قوموا عنی و لا ینبغی عندی التنازع** یعنی از نزد من برخیزید چرا که نزاع در نزد من سزاوار نیست.

اما آنچه مسلم است، پیامبر صلی الله علیه و آله به یک ناسزاگویی عمر بن خطاب، از قصد خود برای نوشتن وصیت پشیمان نمیشوند، و از امر خداوند که میفرماید **کُتِبَ عَلَیْکُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُکُمْ الْمَوْتُ إِنْ تَرَکَ خَیْرًا الْوَصِیَّةَ لِلْأَوْلِیِّینَ وَالْأَقْرَبِیِّینَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِینَ** العیاذ بالله سرپیچی نمیکنند.

از این جهت، آن حضرت در شب وفات خود وصیت را به امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده و متن آن نیز از امام صادق علیه السلام در کتب معتبر شیعه از جمله غیبت طوسی، نجم الثاقب، اثبات الهداة،

مختصر البصائر، العوالم، غاية المرام، نوادر الاخبار، بحار الانوار و... روایت شده و تمامی علمای بزرگوار سند آن را تایید کرده اند، و همچنین مرحوم آقای حاج محمد خان کرمانی اعلی الله مقامه در کتاب المبين جلد سوم در باب ان بعد القائم عليه السلام يقوم مهديون من الشيعة حديث مذکور را روایت میکنند.

اما متن وصیت مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این قرار است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي كَانَتْ فِيهَا وَفَاتُهُ لِعَلِّيَّ ع يَا أَبَا الْحَسَنِ أَحْضِرْ صَحِيفَةً وَ دَوَاةً فَأَمَّا رَسُولُ اللَّهِ ص وَصِيَّتُهُ حَتَّى انْتَهَى إِلَى هَذَا الْمَوْضِعِ فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّهُ سَيَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَ مِنْ بَعْدِهِمْ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا فَأَنْتَ يَا عَلِيُّ أَوَّلُ الْإِثْنَيْنِ عَشَرَ إِمَامًا سَمَّاكَ اللَّهُ تَعَالَى فِي سَمَائِهِ عَلِيًّا الْمُرْتَضَى وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الصَّدِيقَ الْأَكْبَرَ وَ الْفَارُوقَ الْأَعْظَمَ وَ الْمَأْمُونِ وَ الْمَهْدِيَّ فَلَا تَصْخُ هَذِهِ الْأَسْمَاءُ لِأَحَدٍ غَيْرِكَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيِّي عَلَى أَهْلِ بَيْتِي حَيْثُمْ وَ مَيْتِهِمْ وَ عَلَى نِسَائِي فَمَنْ ثَبَّتَهَا لِقِيَّتِي غَدًا وَ مَنْ طَلَّقَهَا فَأَنَا بَرِيءٌ مِنْهَا لَمْ تَرْنِي وَ لَمْ أَرَهَا فِي عَرَصَةِ الْقِيَامَةِ وَ أَنْتَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي فَإِذَا حَضَرَتْكَ الْوَفَاةُ فَلْيَسْلِمْهَا إِلَى ابْنِي الْحَسَنِ الْبَرِّ الْوَصُولِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسْلِمْهَا إِلَى ابْنِي الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ الزَّكِيِّ الْمَقْتُولِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسْلِمْهَا إِلَى ابْنِهِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ ذِي الثَّنَاتِ عَلِيٍّ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسْلِمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسْلِمْهَا إِلَى ابْنِهِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسْلِمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُوسَى الْكَازِمِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسْلِمْهَا إِلَى ابْنِهِ عَلِيِّ الرِّضَا فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسْلِمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدِ الثَّقَةِ الْتَقِيِّ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسْلِمْهَا إِلَى ابْنِهِ عَلِيِّ النَّاصِحِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسْلِمْهَا إِلَى ابْنِهِ الْحَسَنِ الْفَاضِلِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسْلِمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدِ الْمُسْتَحْفَظِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ع فَذَلِكَ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا ثُمَّ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا (فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ) فَلْيَسْلِمْهَا إِلَى ابْنِهِ أَوَّلِ الْمُقَرَّبِينَ لَهُ ثَلَاثَةُ أَسَامِي أَسْمِ كَاسِمِي وَ أَسْمِ أَبِي وَ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَحْمَدُ وَ الْإِسْمُ الثَّلَاثُ الْمَهْدِيُّ هُوَ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ

یعنی: فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله در شبی که وفات کرد بحضرت امیر علیه السلام ای اباحسن حاضر کن صحیفه و دواتی پس املا کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله وصیت خود را تا باینجا رسید پس فرمود ای علی میباشد بعد از من دوازده امام و از بعد ایشان دوازده مهدی پس تو ای علی اول دوازده امامی خدا تو را در آسمان علی مرتضی نامیده و امیرالمؤمنین و صدیق اکبر و فاروق اعظم و مأمون و مهدی پس این اسماء صالح نیست برای احدی غیر از تو.

ای علی توئی وصی من بر اهل بیت من، حیّشان و میتشان و بر زنان من پس هر يك را که تو باقی بگذاری فردا مرا خواهد دید و هر يك را طلاق دهی پس من بیزارم از آن و نمی بینم آن را در عرصه قیامت و توئی خلیفه من بر امت من بعد از من پس چون وفات تو حاضر شود این صحیفه را بده به پسر من حسن بر وصول پس چون وفات او رسد تسلیم کند به پسر من حسین شهید زکی مقتول و چون وفات او در رسد تسلیم کند به پسرش سید العابدین صاحب پینه ها علی پس چون وفات او رسد تسلیم کند به پسرش محمد باقر علم پس چون وفات او در رسد تسلیم کند به پسرش جعفر صادق پس چون وفات او در رسد تسلیم کند به پسرش موسی کاظم پس چون وفات او در رسد تسلیم کند به پسرش علی رضا پس چون وفات او در رسد تسلیم کند به پسرش محمد ثقیه پس چون وفات او در رسد تسلیم کند به پسرش علی ناصح پس چون وفات او در رسد تسلیم کند به پسرش حسن فاضل پس

چون وفاتش در رسد تسلیم کند به پسرش محمد مستحفظ از آل محمد پس این دوازده امام پس میباشد بعد از آن دوازده مهدی پس تسلیم کند به پسرش اول مقرّین، برای او سه اسم است اسمی مانند اسم من و اسم پدرم و آن عبدالله است و احمد و اسم سوم مهدی است و او اول مؤمنین است

سر نهفته مذکور در حدیث شریف، آخر آن است که پس از ائمه علیهم السلام ذکر دوازده مهدی را مینمایند که پس از امام عصر عجل الله فرجه، امر به ایشان واگذار شده و اولین ایشان نیز فرزند امام زمان عجل الله فرجه میباشد.

پیرامون مهدیین احادیث دیگری نیز موجود است از جمله: **عن الصادق علیه السلام قیل له یا ابن رسول الله سمعت من ابیک انه قال یكون بعد القائم اثنا عشر مهدیا فقال انما قال اثنا عشر مهدیا و لم یقل اثنا عشر اماما و لكنهم قوم من شیعتنا یدعون الناس الی موالاتنا و معرفة حقنا.**

یعنی: به امام صادق علیه السلام گفته شد که ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، از پدرت شنیدم اینکه فرمود بعد از قائم دوازده مهدی هستند، حضرت فرمود همانا فرمود دوازده مهدی و نفرمود دوازده امام و ایشان قومی از شیعیان ما هستند که مردم را به سوی ولایت ما و معرفت حق ما دعوت میکنند.

و عن الصادق علیه السلام ان منا بعد القائم اثنا عشر مهدیا من ولد الحسین علیه السلام.

یعنی بدرستیکه از ما بعد از قائم عجل الله فرجه دوازده مهدی از ولد حسین علیه السلام هستند.

به هر حال در تفسیر وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و جریان مهدیین، تفسیر واضحی از مرحوم کرمانی اعلی الله مقامه نرسیده و به اشاره از آن گذشته اند چنانکه در ارشاد العوام تنها میفرمایند که مهدیین از نقبا میباشند و بیش از این شرحی نداده و میفرمایند ره چنان رو که رهروان رفتند، ما هم زیاده بر این نمینویسیم و باشد تا خداوند در هر وقت که مصلحت میدانند ابراز امر ایشان را بفرماید.

و البته توضیح مختصری نیز در مجمع الرسائل 70 داده و میفرمایند:

و یظهر من قوله **فلیسلمها الی ابنه** بانضمام ما رواه الشيخ الاوحد اعلی الله مقامه ان هؤلاء المهدیین کلهم من نریه الحسین و هم غیر الائمة: فیمکن ان یکون ضمیر کلهم فی حدیث الشيخ راجعا الی المهدیین و هو الاقرب الیه فکل المهدیین من نریه الحسین و من نسل القائم و اما کون القائم اول المهدیین یعنی اول المسمین بالمهدی فهو المهدی الثالث عشر فهو باعتبار تسميته بالمهدی كما هو المعروف اول المهدیین و باعتبار کونه غیر المهدیین الاثنی عشر و کونه من الائمة آخر الائمة فلم یبق اشکال فی الخبر الا علی اعتبار کون الضمیر راجعا الی الائمة و المهدیین معا و هو خلاف الظاهر ظاهرا فان الاثنی عشر اماما احدهم الحسین فکیف یکون الاثنا عشر من نریه الحسین و ان قیدته بما سوی الحسین فهو ایضا خلاف الظاهر و انما قلت ظاهرا فانه یمکن نلک علی ضرب من التأویل بان تقول ان ظاهر الاثنی عشر هم من نریه باطن الحسین فانه ابو عبدالله و هم عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا و هو سید الشهداء و هم الشهداء فعلى نلک کل الاربعه و العشرین من نریه الحسین فشهادة ظواهرهم و عباده ظهوراتهم کلها من فروع ابی عبدالله و سیدالشهداء صلوات الله و سلامه علیه.

پس از ایشان نیز مرحوم حاج محمد خان کرمانی اعلی الله مقامه تنها در حاشیه کتاب المبین اشاره ای کرده و میفرماید:

اما ما ورد في وصية النبي (ص) من ذكر وفاته عليه السلام فالظاهر انه من قبيل وفاة عيسى في قوله تعالى فانه ليس المراد من توفيه موته بل رفعه فانه لا شك في ان المهدي عليه السلام لا يموت الا بعد ظهوره بسبعين سنة ثم بعده يقوم سيد الشهداء و الشيعة عبيده و معه و ظاهر هذه الاخبار صريح في ان المهديين يقومون للدعوة و نشر الفضائل فهم في زمن الغيبة لا محالة و لا يرد من ذلك اشكال ابدا و لم يعين (ص) نهاية امرهم و لعل مراده ظهورهم طول زمان الغيبة متبادلين او يكون مراده انه يقوم كل واحد منهم في قرن و يصير منشأ امر خاص ثم يكون من بعده نواب له الي ان يريد الله تجديد الامر كما كان في اولي العزم من الرسل و علي اي حال لا يجوز انكار هذا الامر العظيم مع انه لا اشكال فيه و اما نفي امامتهم فالمراد الامامة الخاصة بالاثني عشر صلوات الله عليهم لا الامامة العامة.

همچنین از مرحوم آقای حاج زین العابدین خان کرمانی اعلی الله مقامه هم پیرامون مهدیین سوال و جوابی در مجمع الرسائل 80 وارد شده که به علت طولانی بودن متن ذکر آن را نمیکنم، اما در ادامه بحث از توضیحات ایشان نیز استفاده خواهم کرد.

به هر حال آنچه از ظاهر حدیث بر می آید این است که پس از ظهور و بعد از هفت سالی که امام عصر عجل الله فرجه به شهادت میرسند، امر به فرزند ایشان واگذار شده و تا رجعت که از بازگشت امام حسین علیه السلام و وقوع قیامت صغری است، همین مهدیین خلیفه خداوند در زمین خواهند بود.

البته این نظریه با اصولی مخالفت دارد، از جمله اینکه آنچه تا به حال در شیعه جا افتاده این است که پس از امام عصر عجل الله فرجه امام حسین علیه السلام رجعت خواهند کرد و ایشان متکفل نماز و تدفین امامند و پس از ایشان سالهای بسیار سلطنت خواهند کرد. البته اگر این نظریه صحیح باشد، صرف مخالفت داشتن با دانسته های ما دلیل بر رد کردن آن نیست و امکان وقوع حالاتی که تمامی احادیث را جمع کند وجود دارد.

اما آنچه که بنده آن را نظر اقوی دانسته و به ضروریات شیعه و نظر مشایخ اعلی الله مقامهم نزدیک میبینم این است که مراد از تسلیم امر به مهدیین نه پس از ظهور بلکه در زمان غیبت کبری است، و مراد از مهدیین دوازده نفر از نظایر سلمانند که در هر صد سال یکی از ایشان باب امام عصرند در زمین و هر کدام از ایشان در صده خود قطب عالم نفس و ناطق واحد زمانند و ظهور قائم عجل الله فرجه در زمان آخری ایشان که آخرین صد سال یعنی ما بین سال 1429 ق تا 1529 ق به وقوع خواهد پیوست ان شاءالله، چنانکه مرحوم حاج محمد کریم خان کرمانی اعلی الله مقامه در مواعظ یزد میفرماید: در هر یکصد سالی بعد از هجرت پیغمبر یکی از این بزرگواران ظاهر می شوند، کسانی که قائم مقام امام عصرند و نظایر سلمان اند، و فرزند ایشان نیز در متن فوق فرمودند: و لعل مراده ظهورهم طول زمان الغيبة متبادلین متناوبین او یکون مراده انه يقوم كل واحد منهم فی قرن.

در این نظریه وفات امام عصر عجل الله فرجه همانطور که مرحوم حاج محمد خان اعلی الله مقامه توضیح داده اند مانند فوتی است که در قران به عیسی علیه السلام نسبت داده شده که میفرماید: **إِذْ قَالَ**

اللَّهُ يَا عِيسَى إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَ مُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا و یا فوتی که برای خواب بیان شده جایی که میخوانیم اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا و از این قبیل موارد که فوت در معانی دیگر بکار رفته و برای امام عصر عجل الله فرجه هم میتواند به معنای بودن ایشان در هورقلیا باشد، و در این خصوص مرحوم حاج زین العابدین خان کرمانی اعلی الله مقامه میفرماید فلیس توفیه بمعنی الموت و انما المراد منه غيبته عليه السلام كما هو واضح ثم انه عليه السلام لما غاب فوض امره الى نوابه و ابوابه من شيعته على نحو الخصوص و التعيين كما في الغيبة الصغرى و زمان السفراء الممدوحين رض و من المحتمل قريباً ان يكون المراد من المهديين امثالهم اعلی الله مقامهم.

و اما آنکه در حدیث است که اولین مهدی از ولد امام عصر عجل الله فرجه هستند هم دو وجه میتواند داشته باشد. اول اینکه عملاً از جهت نسبی از ولد آن حضرتند و شکی در این نیست که امام علیه السلام اهل و عیال و اولاد دارند، و در تأیید این سخن نیز احادیث بسیاری است از جمله آنکه در دعای مأثور عصر جمعه میخوانیم: و صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَ وُلَاةِ عَهْدِهِ وَ الْأُئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ.

و همچنین ممکن است ولد خواندن ایشان از باب احادیثی است مانند **أنا وعليّ أبوا هذه الأمة و شيعتنا منا و جزء منا و الامام الانيس الرفيق و الوالد الشفيق** و امثال این روایات که مشعر به این معنی است که مقصود پدر و فرزندی عقلی است نه نسبی دنیایی.

و اما آنکه در آخر حدیث میفرمایند **هو اول المؤمنين**، مراد برتر بودن ایشان از جهت ایمان و فضل بر سایرین است و به همین جهت باب امام علیه السلام قرار میگیرد و قطب مؤمنین میشود چنانکه در مطلب [انواع قطب از نظر حکمت](#) مفصلاً توضیح داده ام، و در این خصوص مرحوم آقای زین العابدین خان کرمانی اعلی الله مقامه میفرماید: **فاول المؤمنين اولاهم بالامام عليه السلام و اقربهم منه و هو باب و سبيله و السبب الاعظم اليه.**

به هر حال بحث مهدیین طبق هر دو نظریه از اسرار بوده و هنوز هنگام آشکار شدن آن نیست، چرا که اگر پس از ظهور باشند که هنوز وقت آن نرسیده و اگر ابواب و نواب خاص امام علیه السلام باشند، ایشان نیز غایبند چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود **يَغِيبُ الْبَابُ الثَّانِي عَشَرَ بِغَيْبَةِ الْإِمَامِ الثَّانِي عَشَرَ.**